



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

چرا در علوم سازمان به تئوری نیاز داریم؟

خلاصه: برای اینکه نظریه یک بخش ضروری از تحقیق در علوم سازمانی باشد، من سه خط استدلالی را ایجاد می‌کنم. در ابتدا، بر اساس بخش‌های کلاسیک استاو و ساتون (۱۹۹۵)، "فصلنامه علوم اجرایی" کدام تئوری نیست"، ۴۰، ۳۷۱ تا ۳۸۴)، مرزهای تئوری را مشخص می‌کنم و با استفاده از یک مقاله تجربی که اخیراً منتشر شده نشان می‌دهم که تحقیق بر مبنای ارجاعات ادبی و نمودارها به جای تئوری توضیحی، چگونه می‌تواند سهم محدودی در ادبیات داشته باشد. سپس با استناد به مثال مالاریا، به طور کلی در مورد مشکلات انجام تحقیق بدون توسعه‌ی نظریه بحث نمودم. در بخش پایانی مقاله، از نقش مقالات بررسی تئوری، مانند آن‌هایی که در آکادمی بازنگری مدیریت انتشار یافته‌اند، دفاع می‌کنم و (مجدداً با اشاره به یک مثال) توضیح می‌دهم که چگونه چنین مقالاتی برای پیشبرد تحقیقات سازمانی حیاتی هستند.

کلمات کلیدی: نظریه؛ علوم پایه؛ اشتباه تجربی

هافمن و داودل^۱ (۲۰۱۵) نظریه را به عنوان "مجموعه نظام مند و مرتبطی از مفاهیم تعریف می‌کنند که مجموعه‌ای از داده را توضیح می‌دهند" (صفحه ۲۱). در این مقاله استدلال می‌کنم که بدون استفاده از "مجموعه مفاهیم مرتبط" که به نوبه خود ماهیت پدیده‌ها و روابط بین آنها را توضیح دهند، تحقیق در علوم سازمان پیش نخواهد رفت. برای این مورد، در سه بخش پیش می‌رویم. در ابتدا، بر اساس مقاله کلاسیک استاو و ساتون^۲ (۱۹۹۵) با عنوان "چه چیزی تئوری نیست"، من مرزهای تئوری را ترسیم می‌کنم و از نمونه‌ای استفاده می‌کنیم تا پیامدهای نظریه توسعه نیافته را نشان دهیم. در بخش بعدی، با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهم که جهان در غیاب نظریه چگونه خواهد بود، و این نکته را مطرح می‌کنم که تحقیقات معتبر بدون ارجاع به نظریه، نمی‌توانند ادامه یابند. در بخش نهایی، با اشاره ویژه به آکادمی بررسی مدیریت، در مورد سهم مقالات تئوری در علوم سازمان‌ها بحث می‌کنم و معتقدم که مقالات نظری برای پیشرفت دانش علمی در هر زمینه اهمیت دارد.

¹Huffman and Dowdell

²Sutton and Staw

تئوری چه چیزی هست و چه چیزی نیست؟

استاو و ساتون (1995) 20 سال قبل، مرزهای تشکیل تئوری در علوم سازمان را مشخص نمودند. در واقع، استاو و ساتون با مشخص کردن مجموعه ای از پنج ویژگی که "تئوری نیستند"، تعریفی از تئوری ارائه کردند.

1. نظریه، مجموعه ای از منابع (ارجاعات) ادبی نیست. استاو و ساتون (1995) به طور خاص اشاره می کنند در حالی که منابع مربوط به ادبیات گذشته را می توان برای تنظیم پس زمینه ی یک موقعیت تئوریک مورد استفاده قرار داد، نمی توان آن ها را مانند "صفحه ای از دود برای پنهان کردن فقدان نظریه" استفاده کرد (صفحه 373). در این راستا، ممکن است ادبیات برای توسعه نظریه (زنجیره ای از گزاره های منطقی مرتبط به نتیجه گیری) استفاده شود، اما جایگزین نظریه نمی شود.

2. نظریه مجموعه ای از داده نیست. استاو و ساتون (1995 صفحه 373) اشاره می کنند "شواهد تجربی در تایید، بازبینی، یا بی اعتبار ساختن تئوری موجود و در توسعه نظریه جدید، نقش مهمی ایفا می کنند"، اما مانند منابع ادبیات (در واقع، داده های سایر افراد)، جایگزین تئوری نمی شوند.

3. نظریه لیستی از متغیرها و یا ساختارها نیست. در این راستا استاو و ساتون (1995 صفحه 374-375) اشاره نمودند که "فهرست گیری ساده ی سوابق، یک بحث تئوریک ایجاد نمی کند." آن ها به این مساله اشاره دارند که، "مساله اصلی این است که چرا مجموعه خاصی از متغیرها، پیش بینی کننده ی قوی تری هستند". بنابراین، متغیرها به خودی خود تئوری را تشکیل نمی دهند، اما روابط بین آن ها و توجیه روابط را نشان می دهند.

4. نظریه یک شکل یا نمودار نیست. در اینجا نکته این است که نظریه بیش از مجموعه ی متغیرها و روابط است. در این راستا، در حالی که استاو و ساتون (1995 صفحه 376) تصدیق می کنند که ارقام و نمودارها (جعبه ها و فلش ها) می توانند مفاهیم مفیدی برای توضیح نظریه باشند، آنها اشاره می کنند که یک شکل، جایگزین "توضیحات منطقی" نیستند، چرا که متغیرهای خاص باید به هم متصل شوند.

5. نظریه، مجموعه ای از فرضیه ها/پیش بینی ها نیست. به این دلیل که فرضیه ها/پیش بینی ها اساسا ابزار توصیفی هستند که برای توضیح نتایج مورد انتظار تحقیق مورد استفاده قرار می گیرند. به همین ترتیب، "فرضیه ها بیانیه های مختصری هستند که آنچه انتظار می رود رخ دهد را بیان می کنند، نمی گویند که چرا انتظار می رود این رویداد رخ دهد" (استاو و ساتون، 1995، صفحه 377).

در مقاله اخیر سیمون، هورست، کلی و جاج³ (2015) با عنوان "درک چرخه سو استفاده با یک رویکرد متفکرانه"، مثالی می توان یافت. در حالی که این یک بخش خوب از تحقیق است که برای فرموله کردن و (برای) آزمون فرضیه ها طراحی شده تا نشان دهد واکنش های احساسی و رفتاری کارمندان چگونه ممکن است رفتارهای سرپرستان را بهتر یا بدتر کند (1798)، ظاهرا از لحاظ نظری، بررسی دقیق تر نشان می دهد که این نمونه ای از نظریه ی ارائه شده به عنوان یک نمودار است که مجموعه ای از فرضیاتی را که در منابع ادبیات توسعه داده شدند را در بر می گیرد. بنابراین، علیرغم اشاره به "درک" و "نظریه متفکرانه"، توسعه فرضیه تقریبا به طور کامل بر منابع ادبی استوار است؛ نویسندگان در واقع تلاش اندکی می کنند تا توضیح دهند چرا تاثیراتی که آن ها پیش بینی می کنند باید منعقد شود. برای انجام این کار، آن ها باید به کاوش مکانیسم های اساسی انگیزه رفتاری براساس نشانه های هیجانی بپردازند (مثلا برادلی⁴، 2000). بنابراین، در حالی که سیمون و همکارانش نتیجه گیری می کنند که نتایج آن ها "می تواند برای کمک به ناظران و زیردستان مورد استفاده قرار گیرد تا درک کنند چه زمانی و چرا الگوهای ارتباطی مخرب در حال رخ دادن هستند" (صفحه 1907)، در همه یافته های آن ها واضح نیست که "چرا الگوهای ارتباطی مخرب ... رخ می دهند". "چه زمانی و چگونه" (نقش احساسات به عنوان تعیین کننده رفتار) در یافته هایشان بررسی شد، اما "چرا" بررسی نشد.

بنابراین مقاله ای که با آزمون استاو و ساتون (1995) مطابقت دارد چگونه است؟ در این مورد، در تنها مقاله منتشر شده در آکادمی بازننگری مدیریت که سیمون و همکاران (2015) به آن اشاره کردند، ممکن است یک مثال یافت

³Simon, Hurst, Kelley, and Judge

⁴Bradley

شود. این بخش تئوری توسط بولینو⁵ (1999) ارائه شده که در آن، نویسنده توضیح مختصری از رفتار شهروندی سازمانی (OCB) را توضیح می دهد: آیا OCB ها با نوع دوستی واقعی تحریک می شوند یا اینکه آیا آنها صرفاً نشان دهنده تلاش برای ایجاد تصورات مطلوب هستند. در حالی که بولینو فهرست قابل توجهی از ادبیات گذشته را ذکر می کند، فهرست او تنها ابزاری برای ارائه پس زمینه ی نظریه توضیحی است. همانطور که بولینو یادآور می شود، رویکرد او " رویکردی است که تلاش می کند تا درک ما از قصد رفتار شهروندی را بهبود بخشد و بررسی می کند مدیریت احساسات با انگیزه های رفتار شهروندی در تحقیقات گذشته، چگونه شناسایی شده است " (صفحه 83). به طور خاص، بولینو بررسی نمود " چرا انگیزه های مدیریت احساسات می تواند تاثیر رفتار شهروندی را بر اثربخشی سازمان یا گروه کار کاهش دهد " (صفحه 90). براساس این رویکرد، نویسنده به جای تکیه بر مجموعه ای از متون گذشته، با استفاده از یک شکل و گزاره مرتبط با استدلال منطقی بر مبنای ادبیات موجود، مدلی از انگیزه های OCB را ارائه و توسعه داده است.

سیمون و همکاران (2015) با اشاره به پیشینه گذشته، نمایشی از سوابق سو استفاده شهروندی را ارائه دادند، در حالی که بولینو (1999) از ادبیات موجود به عنوان مبنایی برای توسعه نظریه توضیحی استفاده کرد. در پایان، تفاوت بین دو مقاله ظریف، اما مهم است. سیمون و همکارانش گزارش دادند که نتایج نامناسبی یافته اند: " برخلاف پیش‌بینی‌ها، تغییر در نظارت بر سواستفاده، تغییر در رفتار شهروندی را به طور مثبت پیش بینی کرده، در حالی که تغییر در رفتار شهروندی، تغییر در نظارت نادرست را پیش بینی نکرده است " (صفحه 1805). آنها برای توسعه این نظریه تلاش می کنند تا تئوری های پست مدرن را توسعه دهند؛ اما این نتیجه " مخالف " نبود، در وهله اول، آن‌ها تلاش کردند تا توضیح دهند که چرا نظارت نامناسب باید بر رفتار تاثیر بگذارد. در پایان، من مطمئن نیستم که ما چیزهای زیادی از نتایج سیمون و همکارانش یاد بگیریم، به غیر از این نتیجه ی کاملاً بدیهی که نشان می دهد نظارت توهین آمیز، اثری بر رفتار دارد. ما از هیچ کدام از چیزهایی که در حقیقت در حال رخ دادن است، آگاهی نداریم. در این مورد، در مقاله ی Ashkanasy، Michalak و Kiffin-Petersen ممکن است نمونه ای از یک

⁵Bolino

رویکرد مفیدتر را بیابیم که در آن، نویسندگان از تئوری ارزیابی استرس لازاروس و فولکمن (1984) استفاده کرده و مدل نحوه کنار آمدن کارکنان با رفتار سازمانی را به کار گرفتند.

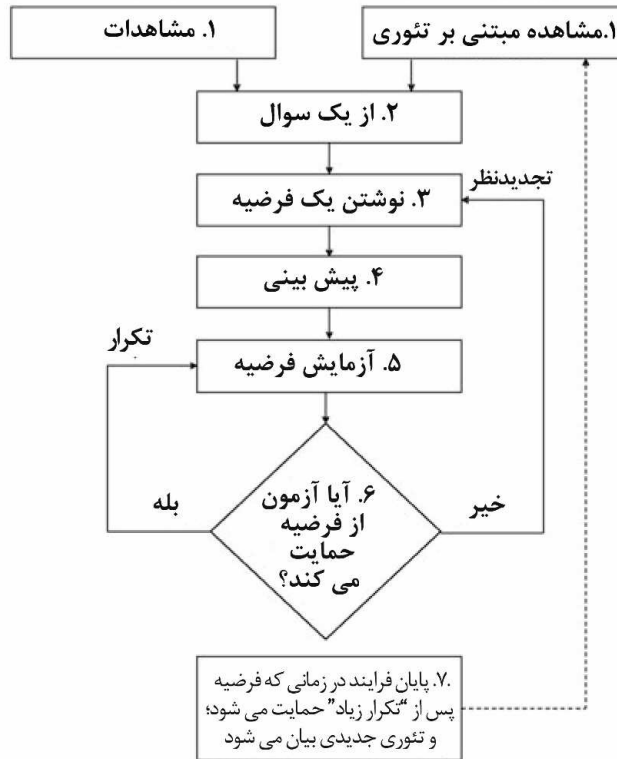
به طور خلاصه، نظریه باید در ابتدا و در درجه اول توضیحی باشد. همانطور که در پاراگراف های فوق استدلال کرده ام، مدل های توصیفی توضیحات رفتار را کوتاه می کنند و به راحتی می توانند به یافته های نامتجانس منتهی شوند. در بخش بعد، من این خط را یک قدم جلوتر می برم و جزئیات بیشتری را بررسی می کنم که نشان می دهد در غیاب تئوری چه اتفاقی می افتد.

اگر تئوری نداشتیم چطور؟

به گفته ی Cucina, Hayes, Walmsley و Martin (2014)، نظریه پیش نیاز پیشرفت علمی نیست. بر اساس مطالعه ی آثار فیلسوف انگلیسی بیکن (۱۲۱۴ تا ۱۹۹۴)، آن ها یک مدل هفت مرحله ای از فرآیند تحقیقات علمی ارائه می دهند (Cucina و همکاران) که در شکل ۱ نشان داده شده است (با یک تغییر کوچک) و از سمت چپ بالا شکل شروع می شود.

مشکل این مدل، غفلت از این واقعیت است که از منظر دانشمندان، نظریه ها به ما این امکان را می دهند که ابتدا مشاهده کنیم و سپس برای بررسی درستی آنها آزمایش هایی انجام دهیم. در این رابطه، مدل فرآیند علمی Cucina و همکاران (2014)، حداقل یک خطای اساسی را شامل می شود. اگر مرحله 1 بیش از "مشاهدات" نباشد، در این صورت ما درگیر ریسک منطق "انتقالی" هستیم. مشکلی که با این منطق وجود دارد این است که گام ۷ ممکن است به عنوان یک استثنا، هیچ وقت با این قاعده همگرا نباشد. ستاره شناسان باستانی این اشتباه را مرتکب شدند و مجبور شدند توضیحات پیچیده ای را برای حرکت ستارگان رواج دهند، تا اینکه کوپرنیک قادر به ارائه نظریه ای برای جنبش سیاره ها شد (کوهن، ۱۹۵۷).

ب. جایگزین از اینجا؛ از می شود ... الف. Cucina و همکاران از اینجا آغاز می کنند



شکل ۱. مدل های جایگزین فرآیند تحقیق

به جای این رویکرد، من نقطه شروع جایگزین را در سمت راست بالای شکل ۱ ارائه می کنم، که در این نقطه فرآیند آغاز می شود: "براساس تئوری، مشاهده ای انجام دهید". هرچند تنها یک تغییر ظاهرا جزئی، همه چیز را تغییر می دهد. برای کسب یک بینش در مورد این موضوع، باید برخی اصطلاحات کلیدی در فلسفه علم و به طور خاص معانی واژه هایی مانند "هستی شناسی" (ماهیت اشیا)، "معرفت شناسی" (نحوه مطالعه هستی شناسی) و تفاوت بین معرفت شناسی "القایی" و "قیاسی" را در نظر بگیریم. معرفت شناسی قیاسی در قلب تحقیق کیفی قرار دارد که هدف آن ساخت نظریه است. معرفت شناسی "القایی" در قلب تحقیق کمی قرار دارد و هدف آن آزمودن تئوری است. نظریه ی به اصطلاح معتبر، به عنوان پیامد القای و استنتاج متناوب به وجود می آید.

با این حال، هنگامی که معرفت شناسی گذرا به کار گرفته می شود، این استدلال غلط و تک کاره (زمانی اتفاق می افتد که مشاهده دو رویداد، به یک نتیجه گیری کاذب منتهی می شود که رویدادها باید به آن مربوط باشند) پیش می آید. با ارجاع به تاریخ بیماری مالاریا، مثال خوبی از این اشتباه در محل کار می یابیم. اگرچه ما می دانیم که این بیماری از انگل پلاسمودیوم ناشی می شود و شیوع پیدا می کند، هرچند پشه های ماده افراد را آلوده می کنند، این

چیزی نیست که پیش از سال 1809 در نظر گرفته شود. این همان سالی است که Charles Louis Anopheles کشف کرد که مالاریا نتیجه عفونت انگل پلاسمودیوم بود. سر رونالد راس پس از آن (1894) ارتباط پشه Anopheles را کشف کرد. برای قرن ها قبل از 1890، به نظر می رسید که مالاریا با قرار گرفتن در معرض گاز مریخ در مناطق تالاب گرمسیری ایجاد می شود. این به نوبه خود مبتنی بر مشاهدات ساده ای بود که گازهای شهری و مالاریا با هم رخ می دادند. با این حال همان طور که دانشمندانی که در زمینه مالاریا مطالعه می کنند، استثنای بیشتری می یابند، نظریه گاز مریخ پیچیده تر و مبهم تر می شود (برای تاریخچه کوتاهی از مالاریا، رجوع کنید به Packard، 2011).

نقطه آنالیز فوق (و همچنین مورد کوپرنیک که قبلا شرح داده شد) این است که علم بدون تئوری، یک استدلال منطقی را در خود تشکیل می دهد. علم بدون نظریه نیز به سادگی غیر علمی است. جمله ی کلیشه ای لوین (1951، صفحه ۱۶۹) که بیان کرد "هیچ چیز به عنوان یک نظریه خوب عملی نیست"، درست است، تا زمانی که نظریه مربوطه، از تحقیقات مبتنی بر شواهد حاصل شود. به طور خلاصه، نظریه نه تنها برای پیشرفت علمی (و همچنین کاربرد عملی علم) لازم است بلکه ضروری نیز هست. بدون تئوری، ما در یک دنیای غیرواقعی زندگی می کنیم، در حالی که اشتباه منطقی می تواند بقای انسان را به چالش بکشد.

در نهایت، این سوال وجود دارد که در انتهای فرایند تحقیق کوکینا و همکاران (2014)، چه نظریه ای ظاهر می شود. همان طور که Peggy Lee خواند، "آیا همه چیز وجود دارد؟". در مدل ارائه شده توسط Cucina و همکارانش، نظریه به عنوان پایان فرآیند به نظر می رسد. این در مقایسه با مدل فرآیند تحقیقات جایگزین، در سمت راست شکل است، که در آن تئوری، ورودی (خط نقطه چین) را به چرخه بعدی تحقیقات تبدیل می کند.

چرا ما به مقالات تئوری نیاز داریم

Cucina و همکاران (2014) به ویژه از مقالات منتشر شده در آکادمی بازرنگری مدیریت (AMR) انتقاد شدیدی داشتند که بر این باور بودند "تمرکز کامل بر تئوری توسعه، از نسخه های مبتنی بر شواهد" اجتناب می کند. بعداً (صفحه ۳۶۳)، آن ها اشاره می کنند مقالاتی که در AMR منتشر می شوند (و سایر مجلات مدیریت و مجلات

روانشناسی کاربردی که تیوری را منتشر می‌کنند مثل مجله روانشناسی کاربردی، مجله مدیریت و مجله رفتار سازمانی) بیش از "filigree" های مبتنی بر نظریه " نیست. در واقع، هدف AMR انتشار "مقالات مفهومی دقیق است که حکمت متعارف در ارتباط با همه جنبه های سازمان و نقش آن ها در جامعه را به چالش می‌کشد". عبارت کلیدی در اینجا "چالش حکمت متعارف" است. همانطور که Alvesson و Sandberg (2011) بیان می‌کنند، مقالات AMR طراحی شده اند تا استدلال هایی دقیق و مبتنی بر شواهد ارائه دهند. در عوض، آن ها برای به چالش کشیدن محققان و قوت بخشیدن به آن ها جهت انجام تحقیقات، عمل می‌کنند. تعجیبی ندارد که محققین معمولاً مقالات AMR را به این شکل بیان می‌کنند: اینها مقالاتی هستند که موتور محرک تحقیق ما را می‌سازند!

برای توضیح بیشتر، اجازه دهید تا به مقاله AMR نوشته بولینو (۱۹۹۹) بازگردم که قبلاً به آن اشاره کردم. این قطعه (در زمان نوشتن) کمتر از 287 بار ذکر نشده است، که بسیاری از آنها مطالعات تجربی را گزارش می‌دهند. برای هدف مقاله حاضر، بر مقاله اخیر نوشته ی Dhensa-Kahlon و Outlaw, Colquitt, Baer, Long (2014) تمرکز نمودم که در آن، نویسندگان این ایده را مورد آزمایش قرار دادند که "کارکنان برای اهداف مدیریت احساسات، با همتایانشان روابط حمایتی ایجاد می‌کنند" (صفحه ۴۶۳). قابل توجه است که Long و همکارانش مدعی هستند که مطالعه ی آن ها "درمورد تطبیق معیارهای مدیریت روابط کارمند با همتایانشان، تئوری" ایجاد و آزمایش می‌کنند (صفحه 464). آن ها ادامه می‌دهند تا اضافه کنند که "ما تئوری خود را حول مفهوم روابط حمایتی می‌سازیم".

نتیجه گیری

در این مقاله، من تلاش کرده ام بیان کنم که نظریه، بخشی ضروری از فرآیند تحقیق در علوم سازمان است. برای توسعه این بحث، ابتدا به توصیف استاو و ساتون (۱۹۹۵) از آنچه که "تئوری نیست" اشاره نمودم و یک مقاله از سیمون و همکاران (2015) را بیان کردم، من محدودیت های تحقیق درمورد مدیریت و OB را نشان دادم که جایگزین ادبیات و نمودارها برای تئوری توضیحی است. به طور خاص، چنین تحقیقی مستلزم توضیح یافته های غیر منتظره و گزارش یافته هایی است که مفهوم نظری و عملی اندکی دارد. سپس، با اشاره به مثال کشف علل مالاریا،

بحث کردیم که پژوهش بر اساس نظریه توضیحی ناکافی، چگونه می تواند منجر به اشتباهات منطقی شود. به طور خاص، من به دنبال تحقیقات مبتنی بر نظریه و مدل فرآیند تحقیق هستم که توسط Cucina و همکاران (2014) مورد حمایت قرار گرفته است. در مقابل، تحقیقات ضعیف تئوری می تواند به راحتی منجر به تحقیقات گذرا و استدلال تک کاره (یعنی نتیجه گیری از وقایع مشترک) شود. در بخش پایانی مقاله، از نقش مقالات منتشر شده در مجلاتی مانند آکادمی بازنگاری مدیریت، مجله مدیریت و مجله رفتار سازمانی دفاع می کنم که شامل جمع آوری داده های مستقیم نمی شوند. چنین مقالات مستلزم بازنگاری دقیق هستند. در حقیقت روشن است که چنین ادبیاتی، نقش اصلی در ایجاد تحقیقات سازمانی معتبر و عملی ایفا می کند.

References

- Alvesson, M., & Sandberg, J. (2011). Generating research questions through problematization. *Academy of Management Review*, 36, 247–271.
- Bolino, M. C. (1999). Citizenship and impression management: Good soldiers or good actors? *Academy of Management Review*, 24, 82–98.
- Bradley, M. M. (2000). Emotion and motivation. In J. T. Cacioppo, L. G. Tassinary, & G. G. Berntson (Eds.), *Handbook of psychophysiology*, 2nd edn (pp. 602–642). New York: Cambridge University Press.
- Cucina, J. M., Hayes, T. L., Walmsley, P. T., & Martin, N. R. (2014). It is time to get medieval on the overproduction of pseudotheory: How Bacon (1267) and Alhazen (1021) can save I/O psychology. *Industrial and Organizational Psychology: Perspectives on Science and Practice*, 7, 356–364.
- Grant, A. M., & Gino, F. (2010). A little thanks goes a long way: Explaining why gratitude expressions motivate prosocial behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 98, 946–955.
- Huffman, K., & Dowdell, K. (2015). *Psychology in action* (11th ed.). New York: John Wiley & Sons.
- Kuhn, T. (1957). *The Copernican Revolution: Planetary astronomy in the development of Western thought*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Lazarus, R., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal and coping*. New York: Springer.
- Lewin, K. (1951). D. Cartwright (Ed.), *Field theory in social science; selected theoretical papers*. New York: Harper & Row.
- Lieber, J., & Stoller, M. (1959). *Is that all there is? [Recorded by Peggy Lee]. On Is that all there is? (Record)*. New York: Capitol Records.
- Long, D. M., Baer, M. D., Colquitt, J. A., Outlaw, R., & Dhensa-Kahlon, R. K. (2014). What will the boss think? The impression management implications of supportive relationships with star and project peers. *Personnel Psychology*, 68, 463–498.
- Michalak, R. T., Ashkanasy, N. M., & Kiffin-Petersen, S. (in press). Interpersonal mistreatment in organizations. In C. L. Cooper, & J. C. Quick (Eds.), *The Wiley-Blackwell handbook of stress and health: A guide to research and practice*. Oxford, UK: Wiley.
- Packard, R. M. (2011). *The making of a tropical disease: A short history of malaria*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press (Johns Hopkins Biographies of Disease).
- Simon, L. S., Hurst, C., Kelley, K., & Judge, T. A. (2015). Understanding cycles of abuse: A multimotive approach. *Journal of Applied Psychology*, 100, 1798–1810.
- Smart Richman, L., & Leary, M. R. (2009). Reactions to discrimination, stigmatization, ostracism, and other forms of interpersonal rejection: A multimotive model. *Psychological Review*, 116, 365–383.
- Sutton, R. I., & Staw, B. M. (1995). What theory is not. *Administrative Science Quarterly*, 40, 371–384.

برای خرید فرمت ورد این ترجمه، بدون واتر مارک، اینجا کلیک نمایید.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی